

## بررسی ساختاری آثار گنجینه جیحون

صدرالدین طاهری\*

استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان

رضا بایرامزاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ هنر ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی شبستر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

### چکیده

این نوشتار تلاش دارد با بررسی آثار «گنجینه جیحون» به گونه‌شناسی این مجموعه و نشانه‌شناسی بن‌مایه‌های هنری آن بپردازد. مهم‌ترین اهداف این پژوهش بررسی فن‌آوری ساخت و تزئین آثار گنجینه جیحون، دسته‌بندی آن‌ها بر پایه کاربرد و پی‌جویی معنای اسطوره‌ای و کهن‌الگویی بن‌مایه‌های هنری آن است. پژوهشگران، این دست‌ساخته‌ها را حاصل هنر بومی ایران می‌دانند که از درآمیختن تجربه ساکنان فلات ایران با هنر فرهنگ‌های هم‌جوار (میان‌رودان، اورارتو، مصر و هند) و هنر اقوام مهاجر آسیایی شکل گرفته است. گستره تاریخی آثار موزه‌ای بررسی‌شده، میانه دوره هخامنشی (سده‌های پنجم و چهارم پ.م) را در برمی‌گیرد. رویکرد این پژوهش تاریخی باهدف توسعه‌ای، مقایسه تطبیقی ساختار اشیاء برای تبیین گونه‌شناسی و دسته‌بندی فرمی آن‌ها، بررسی فن‌شناختی آثار و نیز نشانه‌شناسی بن‌مایه‌های به‌کاررفته در این مجموعه بوده است. در بررسی این اشیاء از دید کاربرد دستکم به ۲۲ گونه متفاوت برمی‌خوریم: نمونک ارابه، پیکره، درپوش، دسته ظرف، نمونک اسب، آرایه پوشاک، نیم‌تاج، گوشواره، گردنبند، آویز، دستبند و بازوبند، انگشتری، لوحه آیینی، پوشش سپر، نیام شمشیر، تنگ، کاسه، جام ماهی‌گون، بست لگام، میله، مهر و سکه. این اشیای زرین و سیمین با فن‌آوری‌هایی همچون ریخته‌گری (قالب‌گیری)، قلم‌زنی و چکش‌کاری، پرچ‌کردن و لحیم‌کاری ساخته شده‌اند. بر روی آثار این گنجینه پنج دسته نقش‌مایه (انسانی، جانوری، برساخته، گیاهی و هندسی) دیده می‌شود که با الگوهای آشنای هنر رسمی، فرا نژادی و تلفیقی پا گرفته در دربار هخامنشی همسانی کامل دارند. نشانه‌شناسی نقش‌مایه‌های این مجموعه نشان از کارکرد آیینی و درباری و خاستگاه ایرانی این آثار دارد.

**واژه‌های کلیدی:** گنجینه جیحون، هنر هخامنشی، فن‌شناسی، گونه‌شناسی، نشانه‌شناسی

## ۱. مقدمه

مجموعه ارزشمندی از دست‌ساخته‌های زرین و سیمین دوره هخامنشی از آسیای مرکزی به‌دست‌آمده که گنجینه جیحون یا آموی نامیده می‌شود (Rogers, 1929: 35). در ماه می سال ۱۸۸۰ م. کاپیتان بورتون افسر انگلیسی ساکن افغانستان گروهی از مهاجرینی که به هنگام مسافرت از کابل به پیشاور به دست راهزنان اسیر شده بودند را نجات داد. آن‌ها یکی از گران‌بهارترین گنجینه‌های تاریخی امروز جهان را همراه خود داشتند. بورتون یک بازوبند طلا از آن‌ها خرید که امروز در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود. دیگر قطعات گنجینه پس‌از آن از بازاری در راولپندی سر درآورد. برخی از آن‌ها به دست ژنرال کانینگهام رئیس‌کل اداره بررسی‌های باستان‌شناسی هند گردآوری شدند و بقیه آثار را آگوستوس ولاستون فرانکز که مجموعه‌داری نیکوکار و ثروتمند بود خریداری کرد. بعدها فرانکز مجموعه کانینگهام را نیز خرید و در پایان عمر تمام گنجینه جیحون را به موزه بریتانیا اهدا کرد که امروز نیز در آنجا نگهداری می‌شوند (Dalton, 1970: 340).

آثار گنجینه جیحون که از حدود ۱۸۰ قطعه زرین و سیمین تشکیل شده برای بیش از یک سده مورد توجه کارشناسان هنر و باستان‌شناسی جهان بوده‌اند. برای این آثار تاریخ سده پنجم و چهارم پ.م پیشنهاد شده است (Curtis and Tallis, 2005: 399)، زمانی که پادشاهی نیرومند هخامنشی پرچم خود را بر سرزمین‌هایی از دره سند تا رود نیل برافراشته بود.

گنجینه در کناره رودخانه جیحون یا آموی دریا (Oxus River) در سرزمین کنونی تاجیکستان و به‌احتمال زیاد از تپه باستانی تخت کواد (قباد) که گذرگاهی در ساحل شمالی رود است بین سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۸۰ م. در کاوش‌های غیرعلمی به‌دست‌آمده است (کرتیس، ۱۳۸۷: ۱۰۲). ممکن است شمار بسیاری از آثار پراکنده یا حتی ذوب‌شده باشند. احتمالاً آثار به نیایشگاهی از دوره هخامنشی تعلق داشته‌اند و توسط مردمان منطقه به‌عنوان هدیه یا نذر در آن مکان نهاده شده‌اند. این مجموعه نخستین بار در موزه بریتانیا در سال ۱۹۰۰ م. در سالن زیورهای طلایی به نمایش نهاده شد (Mongiatti et al, 2010: 28). گیرشمن بارها به همسانی‌های این آثار با هنر بومی فلات ایران اشاره کرده (Ghirshman, 1963: 242). هنگامی که در سپتامبر ۲۰۰۵ م. نمایشگاه «امپراتوری فراموش‌شده: دنیای ایران باستان» در موزه بریتانیا برپا شد مهدی دریایی کارشناس موزه ملی ایران با انتشار نتایج بررسی‌هایش نشان داد که همه این آثار اصل بوده و به دوره هخامنشی تعلق دارند (CAIS, 2005).

## ۲. ویژگی‌های هنر هخامنشیان

با نگاهی به آثار دوره هخامنشی، هر بیننده متوجه نقش‌هایی می‌شود که غیرمعمول و برگرفته از اندیشه‌های خلاق هستند. حتی اگر بدون پیش‌فرض یا آگاهی درباره تمدن‌های پیشین آن‌ها را ببینیم، باز نشانه‌ها و اشاراتی در نقش‌ها می‌بینیم که ویژه همان دوره است (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۴۳۹). با این‌که در آفرینش هنر این عصر، هنرمندان بسیاری با اندیشه‌های خلاق از سرزمین‌های مختلف نقش عمده را بر عهده داشته‌اند، ولی با توجه به اوامر پادشاهان و نبود آزادی عمل در کار هنری، شیوه و سبک خاصی را در خلق آثار به‌کار گرفته‌اند که از آن می‌توان به‌عنوان سبک درباری یا شاهی یادکرد. در عصر هخامنشی عظمت، شکوه، جلال و جمال هنر، با تنوع اشکال و غنای نقش‌ها و کنده‌کاری‌ها از ارزش خاصی برخوردار بوده است (سرفراز، ۱۳۸۹: ۱۵۲). از

مطالعه اجمالی نقش برجسته‌ها و تزیینات کاخ‌های هخامنشی می‌توان پی برد که هنرمندان ایران نیز مانند بیشتر کشورهای شرق باستان در پی آن نبوده‌اند که از طبیعت تقلید کنند و آن را در قالب احتیاجات و طرز اندیشه و آرزوی خود بریزند (باقری، ۱۳۸۹: ۲۶).

شیوه هنری پاگرفته در دربار هخامنشی را می‌توان مکتبی فرانژادی و تلفیقی دانست که بر پایه رواداری سیاسی رایج در این دوره تجربیات همه اقوام باستانی فلات ایران و تمدن‌های هم‌جوار را در بافتی هماهنگ به یاری می‌گیرد.

### ۳. فن‌شناسی آثار گنجینه جیحون: فن‌آوری ساخت این اشیاء را می‌توان در چهار شیوه بررسی کرد:

۳-۱. ریخته‌گری (قالب‌گیری): الف) قالب‌گیری با قالب‌های ساده سنگی و گلی باز و بسته برای آثاری به‌کاررفته که ساختار فضایی پیچیده‌ای ندارند. این قالب‌ها گاه باز هستند که برای نقش انداختن بر یک سمت فلز به کار می‌روند، و گاه بسته که به‌یاری آن می‌توان هر دو روی اثر فلزی را نقش انداخت. ب) در روش موم گمشده نخست نمونه اولیه را از موم می‌ساختند، سپس گرداگردش را با گل پوشانده و مفرغ مذاب را که در بوتله‌های سفالی ذوب کرده بودند درون این پوسته گلین جاری می‌ساختند که سبب آب شدن موم و خروج آن می‌شد و اثر مفرغی به همان شکل قالب مومی درمی‌آمد. درنهایت عملیات چکش‌کاری و پرداخت را انجام می‌دادند (Agrawal, 2000: 15).

۳-۲. قلم‌زنی و چکش‌کاری: ورقه‌های فلزی ابتدا به روش قالب‌گیری باز با ضخامت تهیه می‌شدند. سپس با ضربات چکش نازک‌تر شده و به شکل دلخواه درمی‌آمدند. آنگاه به‌وسیله چکش‌کاری‌های بسیار روی ورقه‌های فلزی و گرم کردن پی‌درپی، شکل‌های برجسته ایجاد می‌شدند. به یاری فن چکش‌کاری آثار بسیاری چون ظرف‌های گوناگون با تزیینات برجسته، لوح‌ها، کمربندها، تیردان‌ها و... خلق شده‌اند (طاهری، ۱۳۹۷: ۳۵).

۳-۳. پرچ کردن: به معنای پهن کردن سر میخ کوبیده شده است، به‌گونه‌ای که نتوان آن را از جایش بیرون کشید. در این روش برای اتصال دو یا چند قطعه به یکدیگر از میخ پرچ استفاده می‌شود (طاهری، ۱۳۹۷: ۳۵). فلزکاران هخامنشی از پرچ‌کاری برای اتصال بخش‌های افزوده بر روی برخی از آثار پیچیده‌تر فلزی همچون ارابه زرین بهره برده‌اند. گاهی نیز پیوند بین دو قطعه توسط تسمه انجام گرفته است.

۳-۴. لحیم‌کاری: وجود گره‌های لحیم‌کاری (از جمله گره‌هایی که روی تعدادی از پره‌ها و دانه‌های چرخ‌های ارابه وجود دارد) استفاده از لحیم‌کاری به‌عنوان تکنیک اتصال را در این مجموعه اثبات می‌کند (Mongiatti et al. 2010: 32). بهره از دیگر روش‌های اتصال مکانیکی همچون تا کردن و ایجاد هم‌پوشانی بین ورقه‌ها، نوارها و سیم‌ها نیز در این آثار آشکار است. از روش‌های ساخت آثار زرین و سیمین می‌توان به جوش دادن قطعات ریز طلا بر روی ورقه‌های فلزی، ساخت گوی‌های کوچک توخالی طلائی یا نقره‌ای و جوش دادن آن‌ها به یکدیگر، زرکوبی (کوبیدن لایه‌های نازک بریده‌شده طلا به شکل‌های گوناگون بر روی فلزات دیگر به‌ویژه نقره) و پرچ قطعات بر روی زمینه (بیشتر برای ساخت جام‌ها و تکوک‌های طلائی و نقره‌ای با نقش‌های برجسته جانوری) اشاره کرد.

#### ۴. جنس آثار گنجینه جیحون

بیشتر اشیای گنجینه جیحون از جنس طلا و شمار کمتری نیز از جنس نقره ساخته شده‌اند. گرچه مردمان ایران طلا و نقره را از هزاره چهارم پ.م می‌شناخته و آن‌ها را برای ساخت زیورها به کار می‌برده‌اند، اما ساخت آثار زرین و سیمین در عصر آهن و سپس در دوره هخامنشی رونق بسیاری می‌یابد.

بررسی یکی از اشیای مجموعه جیحون (ارابه زرین) با روش طیف‌سنجی پرتو ایکس نشان داده که طلای به‌کاررفته در بخش‌های مختلف این اثر بین ۸۷ تا ۹۶٪ (با میانگین ۹۱٪) بوده است. بقیه محتوای این اثر از ۳ تا ۶٪ نقره (با میانگین ۵٪) و ۱ تا ۸٪ مس (با میانگین ۴٪) تشکیل شده است. فلز استفاده‌شده در ساخت این اثر طلای بومی آبرفتی است که معمولاً شامل نقره است و مس توسط فلزکار برای تولید آلیاژ به آن اضافه‌شده است. مشاهده اسب‌های ارابه زیر میکروسکوپ نوری مشخصه‌های بهره از طلای رسوبی (آبرفتی) را آشکار می‌کند (Mongiatti et al. 2010: 31-32).

#### ۵. گونه‌شناسی آثار گنجینه جیحون

در بررسی اشیای گنجینه جیحون از دید فرم و کاربرد دستکم به بیست‌ودو گونه متفاوت برمی‌خوریم:

۱-۵. **ارابه‌ها:** الف: ارابه زرین چهار اسبه با اتاقک پشت‌باز و نقش خدای مصری بس و دو سرنشین یکی ارابه‌ران و دیگری مسافری نشسته. این ارابه خوش‌ساخت را می‌توان از برجسته‌ترین آثار بازمانده از فلزکاری دوره هخامنشی دانست. ب: ارابه زرین بدون چرخ که یک ارابه‌ران و شخصی که اکنون بدون سر است در آن نشسته‌اند. تنها یکی از اسب‌ها به‌جامانده. بدنه ارابه بلند است و در وسط آن یک جداکننده و یک جای نشستن وجود دارد (تصویر ۱).

۲-۵. **پیکره‌ها:** الف: پیکرک‌های آیینی زرین از دو مرد ریش‌دار با کلاه‌های بلند و قبای مادی که برسم در دست دارند. ب: پیکرک سیمین زرکوب مردی با جامه پيله‌دار پارسی که در دست چپ برسم دارد. ج: پیکرک زرین مردی اسب‌سوار که اسبش به‌جا نمانده. سوارکار کلاهی بلند بر سر دارد و جامه‌ای با لبه‌های کارشده پوشیده. د: پیکرک سیمین مردی با دامن کوتاه که طنابی را در دست دارد. این پیکره با شیوه ساخت در دوره هخامنشی همسان نیست و ممکن است هلنی باشد. ه: پیکرک سیمین جوانی برهنه با کلاهی بلند که بر پاستونی ایستاده و با توجه به شکل دستانش ممکن است ارابه‌ران باشد. برهنگی و فرم ساخت این پیکره نشان از ریشه‌ای غیرهخامنشی دارد و ممکن است این پیکره از آثار منطقه باختر باشد. با توجه به کاوش غیرعلمی این مجموعه و شیوه مبهم گردآوری آثار شاید این دو پیکره از اشیای مناطق دیگر باشند که به گنجینه جیحون افزوده شده‌اند. و: پیکره سیمینی از یک پرند (شاید کبوتر) که بر پایه‌ای ایستاده و بال‌هایش بر روی بدنش قلم‌زنی شده‌اند (تصویر ۲).

۳-۵. **درپوش‌ها:** دو سردیس زرین توخالی با اندازه‌های متفاوت از جوانی بدون ریش با موهای مجعد کوتاه و گوش‌های سوراخ‌شده که به نظر می‌رسد به‌عنوان درپوش تنگ کاربرد داشته‌اند (تصویر ۴).



۳. درپوش‌ها

(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۲. پیکره‌ها

(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۱. ارابه‌ها

(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۴-۵. دسته‌های ظرف: الف: یک بز کوهی سیمین زرکوب که پاهای پیشینش برای اتصال به لبه گلدان، خمیده ساخته شده است. ب: سه پیکرک زرین از آهو یا گوزن با اندازه‌های متفاوت که احتمالاً دسته تنگ بوده‌اند (تصویر ۳).

۵-۵. نمونک‌های اسب: چند ورق بریده شده از طلا با قلم‌زنی و برجسته‌کاری که تکه‌هایی از یوغ مدور و دهنه کوتاه به آن‌ها متصل است. سوراخ مانده بر دهان اسب‌ها و حلقه‌ای که بر پشت دارند نشان می‌دهد این اسب‌ها بازمانده نمونک‌هایی از ارابه هستند (تصویر ۵).



۵. نمونک‌های اسب (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۴. دسته‌های ظرف (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۶-۵. آرایه‌های پوشاک: بیشتر آرایه‌های آذینی پوشاک گرد ساخته شده‌اند و بر آن‌ها نقش‌هایی همچون گوپت، شیردال، انسان شاخ‌دار، بس، شاهین، شیر، بز کوهی، مرد پارسی و... قلم‌زنی شده است. برخی دیگر از این آرایه‌ها به اشکال گیاهی، کنگره‌دار یا چهارگوش ساخته شده‌اند. یکی از نمونه‌های شاخص یک بانوی تاج‌دار پارسی را با برسمی در دست تصویر می‌کند (تصویر ۶).

۷-۵. نیم تاج یا آرایه گیسو: یکی از آثار ویژه این گنجینه آرایه زرینی است که احتمالاً برای آراستن گیسو یا تاج ساخته شده. نقش یک موجود ترکیبی (بزکوهی بال‌دار با دم و گوش‌های بلند) را بر این زیور می‌توان باز یافت (تصویر ۷).



۷. نیمتاج یا آرایه گیسو  
(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۶. آرایه‌های پوشاک  
(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۸-۵. گوشواره‌ها: یکی از گوشواره‌ها با خطوط موازی تزیین شده و در بالا دارای چفت است. دیگری در بالا روزنی لوله‌دار و در لبه خارجی تزیین نواری دارد (تصویر ۸).

۹-۵. گردنبندها: گردنبندهای گنجینه جیحون از مهره‌های استوانه‌ای توخالی بسیاری تشکیل شده‌اند که با رشته‌ای به هم پیوند داشته‌اند. یکی از این گردنبندها ۲۳۷ مهره دارد و دیگری از ۳۱ مهره تشکیل گردیده است (تصویر ۹).



۹. گردنبندها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۸. گوشواره‌ها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۱۰-۵. آویزها: برخی از آویزهای این مجموعه به‌سان شاهین ساخته شده. نمونه‌هایی به شکل زنگوله، گوی و حلقه نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود (تصویر ۱۰).

۱۱-۵. دستبندها و بازوبندها: الف: دستبندهای ماریچج با دو سر بز یا شیر. ب: دستبندهای حلقه‌ای با دو سر شیر، شیردال، بز کوهی یا مرغابی. ج: یک جفت بازوبند خوش‌ساخت که بر دو سوی آن دو شیردال شاخ‌دار نقش شده. فضاهای توخالی در نقش کنده شده بر این بازوبندها نشان از به‌کارگیری فن نگین‌گذاری دارد (تصویر ۱۱).



۱۱. دستبندها و بازوبندها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۱۰. آویزها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۵-۱۲. انگشتری‌ها: ۱۲ انگشتری در این مجموعه وجود دارد. الف: انگشتری‌هایی که نقش بانویی تاج‌دار با جامه بلند و موی بافته، نشسته بر تخت یا ایستاده بر آن‌ها کنده‌کاری شده است. ب: انگشتری‌هایی با نقش مایه‌های اساطیری همچون گوپت، شیردال و یا دو گاو پشت به هم داده. بر یکی از این حلقه‌ها بالای سر گوپت نامی پارسی به زبان آرامی نقر شده که آن را وکش خوانده‌اند (Pitschikjan, 1992: 101). ج: انگشتری‌هایی با نقش جانوران همچون گوزن، پلنگ و شیر، د: یک انگشتری با رویه گرد که چلیپایی بر آن نقش شده (تصویر ۱۲).

۵-۱۳. لوحه‌های آیینی: ۵۱ لوحه آیینی یا نذری در این گنجینه وجود دارد که از ۲ تا ۲۰ سانتی‌متر پهنا دارند. بر همه آن‌ها انسان تصویر شده به‌جز سه لوحه که نقش جانوری (اسب و شتر) دارند، و یکی که بی‌نقش است. این لوحه‌ها ممکن است برای اهدا به نیایشگاه یا هدیه به روان درگذشتگان ساخته شده باشند. نقش موبدانی با جامه مادی گاه با پنام و دستار و برسم به‌دست بر بیشتر این لوحه‌ها قلم‌زنی شده، این اشخاص یا پیراهنی تا زانو پوشیده و خنجر پارسی به کمر بسته‌اند یا قبایی بلند بر دوش دارند. گاهی بر جامه آنان نقش پرندگان دیده می‌شود. برخی از نمونه‌ها مردی را با شلوار و نیم‌تنه و نیزه‌ای در دست تصویر می‌کنند. روی چهار لوحه بانویی برسم به دست با دامن چین‌دار قلم‌زنی شده. نبود چارچوب تصویری یکسان و وجود نمونه‌هایی با نقش‌های ساده و خام‌دستانه نشان می‌دهد که این لوحه‌ها توسط شخص هدیه دهنده حکاکی شده‌اند (تصویر ۱۳).



۱۳. لوحه‌های آیینی (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۱۲. انگشتری‌ها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۱۴-۵. پوشش زینتی سپر: بر روی یک قبه سیمین سپر در این گنجینه صحنه شکار با نقش‌هایی از سوارکاران، قوچ‌ها و گوزن‌ها زرکوبی شده. گرداگرد این تصویر با یک حاشیه طنابی مارپیچ قاب گرفته شده است (تصویر ۱۴).

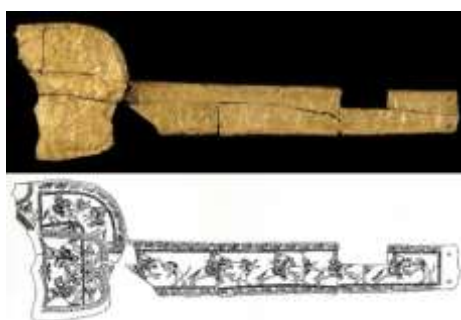
۱۵-۵. نیام خنجر: یکی از باشکوه‌ترین آثار گنجینه جیحون نیام خنجری است که با نقش شکار شیر آذین شده است. در بخش پهن بالای نیام چهار و در بخش باریک و بلند آن پنج سوار نیزه‌دار به شیران یورش برده‌اند (تصویر ۱۵).

۱۶-۵. تنگ: تنگی زرین با بدنه شیاری و دسته‌ای که در بالا با سر یک شیر به لبه متصل شده (تصویر ۱۹).



۱۶. تنگ

([britishmuseum.org](http://britishmuseum.org): مأخذ)



۱۵. نیام خنجر (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org)).



۱۴. پوشش زینتی سپر

(مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۱۷-۵. کاسه‌ها: الف: کاسه ساده نیم‌کره‌ای شکل. ب: کاسه ساده کم‌عمق. ج: کاسه کم‌عمق برجسته‌کاری شده با تزیین‌های بادامی شکل و آرایه شیرهای بال‌دار (تصویر ۱۸).



۱۷. کاسه‌ها (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۱۸-۵. جام ماهی‌گون: جامی به‌سان یک ماهی توخالی با سوراخی در دهان و یک حلقه برای آویختن در بالای باله چپ شاید ظرفی برای روغن یا عطر بوده است (تصویر ۱۷).

۱۹-۵. بست لگام: یک قطعه زرین دیگر احتمالاً بستنی است که به یک لگام اسب متصل می‌شده (تصویر ۱۶).





۱۹. بست لگام (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))



۱۸. جام ماهی‌گون (مأخذ: [britishmuseum.org](http://britishmuseum.org))

۲۰-۵. میله‌ها: میله‌هایی از جنس آهن که گرد آن‌ها طلا گرفته‌شده با نقش‌های شیاری همراه این مجموعه بوده که ممکن است بخشی از عصای زینتی باشند.

۲۱-۵. مهر استوانه‌ای: چند مهر به این مجموعه منتسب هستند از جمله مهری از جنس سنگ یمانی با صحنه نبرد.

۲۲-۵. سکه‌ها: درباره شمار سکه‌هایی که به‌همراه گنجینه جیحون یافت شده اختلاف نظر وجود دارد. اما به نظر می‌رسد چند دریک زرین هخامنشی در مجموعه موزه بریتانیا به این گنجینه تعلق داشته باشند.

#### ۶. نشانه‌شناسی نقش‌مایه‌های آثار گنجینه جیحون

ساختار گونه‌گون جغرافیایی و آب و هوایی کناره رود جیحون و شمال‌خاوری خراسان بزرگ که از کوهستان‌های بلند تا کوهپایه‌های سرد و نیمه مرطوب را در برمی‌گیرد سبب شده این منطقه زیستگاه جانوران و گیاهان بسیاری باشد که طبیعتاً می‌توانستند مورد توجه هنرمندان و صنعتگران سازنده این مجموعه قرار گیرند. با این وجود بیشتر بن‌مایه‌هایی که بر روی اشیای گنجینه جیحون نقش شده‌اند، همان الگوهای آشنای هنر رسمی هخامنشی هستند که در معماری و مجموعه‌های آثار یافت‌شده از مکان‌هایی همچون پاسارگاد، پارسه، شوش، همدان و... به چشم می‌خورد. گردآمدن دوباره این تصاویر و نمادها در کنار یکدیگر بر قوت نظریه تعلق این گنجینه (با بخش بزرگی از آن) به دربار مرکزی هخامنشیان یا یکی از ساتراپی‌های تابعه می‌افزاید. در ادامه به بررسی کوتاه برخی از مهم‌ترین این بن‌مایه‌ها و معنای نمادین آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۶. نقش‌مایه‌های انسانی

الف. بانوان: بانوان جامه بلند چین‌دار به تن کرده‌اند. برخی از بانوان تاج بر سر دارند که نشان از خاستگاه درباری آن‌هاست و برخی دیگر گیسوان بلند خود را بافته یا از پشت آویخته‌اند که ممکن است غیر درباری باشند. در دست آن‌ها برسم، گل یا پرنده دیده می‌شود.

ب. مردان: مردان تصویر شده بر روی آثار این مجموعه جامه مادی یا پارسی به تن کرده‌اند، برخی از آن‌ها که برسم به دست دارند ممکن است موبد یا دین‌مرد باشند. گروهی دیگر از این مردان بر اسب نشسته و مشغول شکارند. در ارابه‌های زرین، پوشاک مرد نشسته با ارابه‌ران همسان نیست که نشان از تفاوت در جایگاه اجتماعی آن دو دارد.

## ۶-۲. نقش مایه‌های جانوری

نقش جانوران بسیاری را بر روی آثار گنجینه جیحون (همچون دستبندها، آویزها، آرایه‌های پوشاک، انگشتری‌ها و کاسه‌ها) می‌توان یافت، از جمله:

الف. شیر: در اندیشه مردمان خاور باستان نماد شهریاری و دلاوری است، چونان که نامش بر بسیاری از شاهان نهاده شده است. نمادی سلطنتی و نشانه‌ای از شجاعت و قدرت. مصریان از سر بزرگداشت، نام‌های هخامنشی را با نگاره شیر می‌نوشته‌اند و شاهنامه اشاره‌ای به نشستن شیر بر درفش ایران دارد. سریر ایزدبانوان بر دوش و تخت شاهان بر پنجه‌اش استوارند. بر در نیایشگاه‌ها به نگهبانی می‌ایستد و نقش کنده‌شده بر سنگش چون نیرویی محافظ به گردن آویخته می‌شود. شیر نماد رده چهارم آیین مهر است و در مهرآوه‌ها تندیس خدای رمزآلودی با سر شیر یافت می‌شوند. مصریان نیز خدای بانوی جنگاور شیر سر، سخمت را می‌پرستیده‌اند (طاهری، ۱۳۹۱ الف: ۹۲).

ب. بزکوهی: نماد زایش، رویش، سرسبزی، آبادانی و فراوانی است (هال، ۱۳۸۰: ۳۵). به سبب چابکی و میل به بالا رفتن، نماد تلاش برای یافتن حقیقت است (میتفورد، ۱۳۸۸: ۶۵) در میان‌رودان، این جانور همبسته با مردوک و نین‌گیسو است (Cooper, 1968: 57). بز از نخستین جانورانی است که یازده هزار سال پیش در کوهپایه‌های زاگرس به‌دست انسان اهلی شد (Zeder, 2008: 12). این حیوان پرزور از دیرباز مظهر قدرت به‌شمار می‌رفته و همواره حیوان جلودار رمه بوده. بزکوهی به‌سبب زندگی بر بلندای کوهساران و شباهت شاخ‌هایش به هلال ماه نیز ستایش شده و او را در ارتباط با باران و باروری دانسته‌اند.

ج. قوچ: یکی از شکل‌های جانوری وابسته به خدایان زایش و باروری در خاور باستان، یونان و مصر بود. انکی خدای آب سومری عصایی با سر قوچ دارد. در مصر نیز خدایانی چون خنوم، هریشاف و گاه آمون با سر قوچ تصویر شده‌اند (هال، ۱۳۸۰: ۷۹). قوچ تجسم مردانگی و نیروی آفرینش‌گر است. خون قوچ خاک را بارور می‌کند (میتفورد، ۱۳۸۸: ۶۵).

د. شاهین: پرنده خورشید و نماد نیروی مردانه است. بلندپروازی این پرنده نشان از آزادی روح دارد (میتفورد، ۱۳۸۸: ۶۹). برخورد ابر با خورشید را ستیز میان شاهین و مار می‌دانستند (جایز، ۱۳۷۰، ۸۳). شاهین پرنده‌ای نیرومند و تیزپرواز است و او را فرمانروای آسمان خوانده‌اند. بسیاری از پژوهشگران شاهین را نماد نیروی نظامی هخامنشی می‌دانند (رک: پورداود، ۱۳۸۶: ۲۹۶؛ و ملک‌زاده بیانی، ۱۳۴۵: ۲۰). گزنفون در آناپازیس از شاهینی زرین با بال‌های گشوده بر فراز یک نیزه یادکرده که در دوره هخامنشی پیشاپیش لشکریان حمل می‌شده است (Xenophon, 1.10.12).

ه. ماهی: بر اساس یک باور باستانی زمین بر روی شاخ‌های گاو قرار دارد و این گاو بر پشت یک ماهی ایستاده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۰۵۹). ماهیان چرخان به سبب کارکردی که در حفظ زندگی مینوی از گزند آسیب اهریمن دارند، همواره جایگاهی استوار بر روی آثار هنری ایرانیان داشته‌اند (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۰). ماهی به دلیل زندگی در آب‌های جاری و ژرفای دریاها، در اندیشه مردمان جهان باخدایان ناظر بر آب‌ها و نیروهای نگاهبان زندگی همبستگی بسیار دارد (طاهری، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

و) گاو: گاو از جانوران شاخ‌دار و همبسته با ماه است. گاو نر اصلی‌ترین نماد جنس نرینه در طبیعت و نشان نیروی زاینده است. پرستش گاو نر آیینی مهم در مصر، خاور باستان، شرق مدیترانه و هندوستان بوده که به یونان و روم نیز مهاجرت کرده است (هال، ۱۳۸۰: ۸۵). گاو از مهم‌ترین جانورانی است که انسان توانست اهلی کند. نخستین نمونه‌های گاو اهلی ده هزار سال پیش در شمال میان‌رودان و اندکی پس‌از آن در کوهپایه‌های زاگرس پدیدار می‌شوند (Zeder, 2008: 12). در آیین مهر حیات و رستاخیز طبیعت را مبتنی بر کشتن گاو نر به دست میترا و جاری شدن خون آن بر زمین دانسته‌اند (رضی، ۱۳۷۱: ۱۲۹).

ز) اسب: اسب از روزگاران کهن در اساطیر جهان مورد توجه بوده و مردمان خاور باستان به نگهبانی و تیمار این جانور سودمند توجه داشته‌اند. در دوره هخامنشی اسب‌های همراه ارباب‌ها نیروی پرشتاب امپراتوری را تشکیل می‌دادند و از چنان اهمیتی برخوردار بودند که آن‌ها را هم‌تراز مردان می‌دانستند. اختلاف در اندازه اسب‌های نقش شده در آثار هنری هخامنشی چنان است که می‌توان آن‌ها را از نژادهای متفاوت دانست. مثلاً اسب‌های کوچک ارباب‌های زرین گنجینه جیحون ممکن است اسبچه خزری باشند (سرخوش، ۱۳۹۲: ۲۶۵).

### ۳-۶. نقش‌مایه‌های برساخته

الف) خدای پس: بس خدای شادی و سرگرمی از طریق نوبیه (سودان) وارد مصر شد. او را پشتیبان زنان می‌پنداشتند (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۷۲). این ایزد که در هنر هخامنشی حضور پررنگی دارد احتمالاً توسط کارگران مصری به ایران آمده و سپس به واسطه کارکردش در مراقبت از زنان باردار مورد توجه بانوان پارسی قرار گرفته است (Abdi 1999: 111). پیشگاه ارباب زرین جیحون با سر این ایزد مصری آذین شده است که شاید نشانگر همکاری هنرمندان مصری دربار هخامنشی در ساخت این اثر باشد.

ب) حلقه بال‌دار: این نماد نخست در هنر مصری و از آمیختن گوی خورشید با بال‌های شاهین و دو اوراوس (مار کبرا) شکل گرفته است. بر پایه یک کتیبه در ادفو این نقش‌مایه به دستور خدای تحوت بر بالای دروازه‌ها نقش می‌شود تا یادآور پیروزی هوروس (نماد روشنی و نیکی) بر ست (نماد تاریکی و بدی) باشد (Goblet, 1894: 205). این نقش از مصر به هنر فنیقیان، اورارتوها، میتانی‌ها و هیتی‌ها راه می‌یابد و به‌ویژه در سنگ‌نگاره‌های آشوری به‌گسترده‌گی برای بازنمایی خدای آشور (حامی جنگجویان) استفاده می‌شود (MacKenzie, 1915: 334). حلقه بال‌دار در هنر هخامنشی نیز بارها استفاده شده از جمله بر روی نیام گنجینه جیحون. این نماد کهن پس از افزوده شدن مردی در میانه حلقه به نقش‌مایه مشهوری بدل شده که از بیستون تا پارسه جایگاه مهمی در تزیینات معماری هخامنشی دارد.

ج) گوپت و شیردال: گوپت یا گوپت‌شاه جانور اساطیری بال‌داری با تن گاو یا شیر و سر انسان است (تفضلی، ۱۳۵۴: ۸۱) و شیردال موجودی افسانه‌ای با بدن شیر و سر عقاب (MacKenzie, 1990, 345). گوپت و شیردال از انگاره‌های مهم اندیشه و هنر خاور باستان به‌شمار می‌آیند. عقاب، انسان، شیر و گاو هرکدام دارای نیروی سحرآمیز و فرمانروای قلمرو خویشان بودند. هنگامی که درهم‌آمیخته می‌شدند برای نیایشگاه‌ها به نگاهبانی شکست‌ناپذیر بدل می‌شدند که در هریک از فرهنگ‌های کهن نام و ویژگی متفاوتی داشت. از آنجایی که هرکدام از آنان در اندیشه سنتی فرمانروای قلمرو ویژه خود هستند ترکیبشان می‌توانست نماد شهریاری بر

آسمان و زمین باشد، بدین سان است که این جانوران گاه نقشی از نیروی شاهان بوده‌اند، گاه چون پشتیبانی دینی رخ نموده‌اند و گاه به سان موجودی هراسناک و خونریز با توانی فرابشری قهرمان داستان‌های اساطیری گشته‌اند (طاهری، ۱۳۹۱: ب: ۲۲). نقش گوپت و شیردال در گنجینه جیحون بر روی انگشتری‌ها، دستبندها و آرایه‌های پوشاک دیده می‌شود.

#### ۴-۶. نقش مایه‌های گیاهی

الف) نیلوفر: از مهم‌ترین بن‌مایه‌های اساطیری کهن در هنر ایران، میان‌رودان، مصر و هند است. ریشه نیلوفر در خاک و ساقه‌اش در آب است و برگ‌هایش را رو به آسمان می‌گشاید (بلک و گرین، ۱۳۷۶: ۱۶۵). بندهش در نام بردن از گل‌های همبسته با ایزدان، نیلوفر را متعلق به آبان (آناهیتا) می‌داند (بندهش، بخش ۹، بند ۱۱۹). در یک نوشتار پهلوی بوی گل نیلوفر، بوی بزرگان و توانگران دانسته شده (خسرو و نوجوان، بند ۸۵). پرتکرارترین نقش‌مایه گیاهی هنر هخامنشی گل نیلوفر از روبرو است که شمار گلبرگ‌های آن ۸، ۱۲ یا ۱۶ پَر است. در آثار گنجینه جیحون گل نیلوفر بیشتر از کنار تصویر شده است.

ب) برسم: از اوستا برمی‌آید که برسم باید از جنس رستنی‌ها باشد، مانند انار و گز و هوم. شاخه‌ها با کاردی به نام برسم‌چین بریده می‌شود. برسم باید از شاخه‌های باریک بی‌گره باشد که با نیایش و باژ و زمزمه می‌برند. گاهی در مراسم برسم‌های فلزی از برنج و نقره به‌جای گیاه به‌کاررفته می‌برند. هر یک از تایی‌های فلزی به‌بلندی نه بندانگشت و به قطر یک‌هشتم بندانگشت است. در اوستا شماره برسم‌ها از ۳ تا ۳۵ ذکر شده است (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۲). بسیاری از افراد نقش‌شده بر روی آثار گنجینه جیحون برسم به‌دست دارند.

#### ۵-۶. نقش مایه‌های هندسی

نقش‌مایه‌های هندسی گوناگونی بر روی اشیای گنجینه جیحون کار شده است. از آرایه‌های بادامی‌شکل و آذین‌های ترنجی ظرف‌ها تا طرح‌های طنابی، مارپیچی، جناغی، شیاردار یا دنده‌ای در حاشیه لوحه‌ها یا نقش چلیپا و کنگره بر روی انگشتری. به نظر می‌رسد نقش‌مایه‌های هندسی بیش از آن‌که بیانگر مفهومی اساطیری باشند، برای آذین به‌کاررفته رفته‌اند.

#### ۷. نتیجه

آثار گنجینه جیحون در سرزمین کنونی تاجیکستان و به‌احتمال‌زیاد از تپه باستانی تخت کواد (قباد) بین سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۸۰ م. در کاوش‌های غیرعلمی به‌دست‌آمده است. شیوه ساخت و نشانه‌شناسی نقش‌مایه‌های این مجموعه نشان از کاربرد آیینی و درباری و خاستگاه ایرانی این آثار دارد. پژوهشگران، این دست‌ساخته‌ها را حاصل هنر بومی ایران می‌دانند که از درآمیختن تجربه ساکنان فلات ایران با هنر فرهنگ‌های همجاور (میان‌رودان، اورارتو، مصر و هند) و هنر اقوام مهاجر آسیایی شکل گرفته است. بیشتر اشیای این مجموعه از جنس طلا و شمار کمتری نیز از نقره ساخته شده‌اند. در ساخت این آثار از فن‌آوری‌هایی همچون ریخته‌گری (قالب‌گیری)، قلم‌زنی و چکش‌کاری، پرچ‌کردن و لحیم‌کاری استفاده شده است. بررسی ارباب زرین با روش طیف‌سنجی پرتو ایکس نشان داده که طلای به‌کاررفته در بخش‌های مختلف این اثر بین

۸۷ تا ۹۶٪ (با میانگین ۹۱٪) بوده است. بقیه محتوای این اثر از ۳ تا ۶٪ نقره (با میانگین ۵٪) و ۱ تا ۸٪ مس (با میانگین ۴٪) تشکیل شده است.

در بررسی اشیای گنجینه جیحون از دید فرم و کاربرد دستکم به بیست‌ودو گونه متفاوت برمی‌خوریم، شامل: نمونک ارابه، پیکره، درپوش، دسته ظرف، نمونک اسب، آرایه پوشاک، نیم‌تاج یا آرایه گیسو، گوشواره، گردنبند، آویز، دستبند و بازوبند، انگشتری، لوحه آیینی، پوشش سپر، نیام شمشیر، تنگ، کاسه، جام ماهی‌گون، بست لگام، میله، مهر و سکه. بر روی آثار این گنجینه پنج دسته نقش‌مایه دیده می‌شود: نقش‌مایه‌های انسانی (شامل مردان و بانوان)، نقش‌مایه‌های جانوری (شامل شیر، بزکوهی، قوچ، شاهین، ماهی، گاو و اسب)، نقش‌مایه‌های برساخته (شامل خدای مصری بس، حلقه بال‌دار، گوپت و شیردال)، نقش‌مایه‌های گیاهی (شامل نیلوفر و برسم) و نقش‌مایه‌های هندسی. بیشتر بن‌مایه‌هایی که بر روی اشیای گنجینه جیحون نقش شده‌اند، همان الگوهای آشنای هنر رسمی هخامنشی هستند که در معماری و مجموعه‌های آثار یافت شده از مکان‌هایی همچون پاسارگاد، پارسه، شوش، همدان و... به چشم می‌خورند؛ مثل: شاهین نماد قدرت شاهانه، شیر نماد دلاوری، بزکوهی پیشرو گله‌ها و نخستین جانور اهلی شده در ایران، گاو نماد زمین و باروری، گوپت و شیردال نگهبانان شکست‌ناپذیر دروازه کاخ‌ها و نیایشگاه‌ها و...؛ نقش‌مایه‌هایی رایج در مکتب فرا نژادی و تلفیقی پا گرفته در دربار هخامنشی که بر پایه رواداری سیاسی رایج در این دوره از گردآمدن تجربیات هنری همه اقوام باستانی فلات ایران و تمدن‌های هم‌جوار و ترکیب آن‌ها در بافتی هماهنگ حاصل شد. آیا این آثار در دربار هخامنشی تولید شده و به این منطقه ارسال شده‌اند، یا طی واقعه‌ای تاریخی (مثلاً گریز داریوش سوم یا غارت گنجینه پارسه توسط هلنی‌ها) به خراسان راه یافته‌اند، یا تولید کارگاه‌های محلی ساتراپی تحت نظارت دربار مرکزی بوده‌اند؟ به سبب نبود داده‌های علمی از کاوش، هنوز نمی‌توان با اطمینان این مسئله را مشخص نمود. اما حضور دوباره تصاویر و نمادهای آشنای هنر درباری هخامنشی در کنار یکدیگر، بر قوت نظریه تعلق این گنجینه (یا بخش بزرگی از آن) به دربار مرکزی هخامنشیان یا یکی از ساتراپی‌های تابعه می‌افزاید.

## منابع

- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، *دانش‌نامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت*، تهران: مرکز. ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳)، *اساطیر هند*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: گلشن.
- باقری، مهناز (۱۳۸۹)، *بازتاب اندیشه‌های دینی در نگاره‌های هخامنشی*، تهران: امیرکبیر.
- بلک، جرمی و آنتونی گرین (۱۳۸۳)، *فرهنگ‌نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان*، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴)، *مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پوپ، آرتور آپهام و فیلیس اکرم (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، تهران: علمی و فرهنگی.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۶)، *یشت‌ها*، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- جایز، گرترو (۱۳۷۰)، *سمبل‌ها*، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: جهان‌نما.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱)، *آیین مهر یا میتراپیسم*، تهران: بهجت.
- سرخوش گرتیس، وستا (۱۳۹۲)، *میراث ایران باستان*، ترجمه لیلی نوربخش، در: *امپراتوری فراموش شده جهان پارسیان باستان*، ویراستاران جان کرتیس و نایجل تالیس، تهران: کتاب‌آمه.
- سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۸۹)، *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، نشر مارلیک.

- طاهری، صدرالدین (۱۳۸۸)، «بن‌مایه ماهی درهم در قالی ایرانی»، *فروزش*، شماره ۲۰، صص ۹۸-۱۰۱.
- فرنیغ دادگی (۱۳۸۰)، *بندهش*، به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس.
- کرتیس، جان (۱۳۸۷)، *ایران باستان به روایت موزه بریتانیا*، ترجمه آذر بصیر، تهران: امیرکبیر.
- ملک‌زاده بیانی، ملکه (۱۳۴۵)، «شاهین نشانه فر ایزدی»، *بررسی‌های تاریخی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱-۳۴.
- ملکی، ایرج (۱۳۴۴)، «خسرو و ریدگ قبادی»، *موسیقی*، شماره ۹۷، صص ۸۱-۸۵.
- میتفورد، میراندا بروس (۱۳۸۸)، *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*، ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، تهران: دانشگاه الزهرا.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌های نمادها*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱الف)، «کهن‌الگوی شیر در ایران، میان‌رودان و مصر باستان»، *هنرهای زیبا*، شماره ۴۹، صص ۸۳-۹۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ب)، «گوپت و شیردال در خاور باستان»، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۱۳-۲۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، *نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران و سرزمین‌های همجوار*، تهران: شوراآفرین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، *هنر عصر آهن ایران*، چاپ دوم، تهران: شوراآفرین.

- Abdi, K., 1999. *Bes in the Achaemenid Empire*, *Ars Orientalis* 29: 111-140.
- Agrawal, D. P., 2000. *Ancient metal technology and archaeology of South Asia*, New Delhi, Aryan Books International.
- CAIS Archaeological & Cultural News (17 July 2005), *Authenticity of Oxus treasure to be examined by Iranian expert at British Museum*.
- Cooper, J., 1968. *Illustrated Encyclopedia of traditional symbols*, London, Thames and Hudson.
- Curtis, John E., Tallis, N., 2005. *Forgotten Empire: the world of ancient Persia*, London: The British Museum.
- Dalton, O.M., 1970. *The treasure of the Oxus with other examples of early oriental metal-work*, reviewed by Edwin M. Yamauchi, *Journal of the American Oriental Society* 90 (2): 340-343.
- Ghirshman, R., 1963. *Perse: Proto-Iraniens, Mèdes, Achéménides*, Paris, Relie.
- Goblet d'Alviella, E., 1894. *The migration of symbols*, London, A. Constable and Co.
- MacKenzie, D. A., 1915. *Myths of Babylonia and Assyria*, Glasgow, The Gresham Publishing Company.
- MacKenzie, D. N., 1990. *A concise Pahlavi dictionary, Reissue, with corrections*, London: Routledge.
- Mongiatti, A., Nigel M., and Simpson, St. J., 2010. *A gold four-horse model chariot from the Oxus Treasure: a fine illustration of Achaemenid goldwork*, London, The British Museum.
- Pitschikjan, I.R., 1992. *Oxos-Schatz und Oxus-Tempel: Achämenidische Kunst in Mittelasien*, Berlin, Akademie Verlag.
- Rogers, R.W., 1929. *A history of ancient Persia from its earliest beginnings to the death of Alexander the Great*, New York: Charles Scribner's Sons.
- Xenophon 1839. *Anabasis*, transl. by E., Spelman, New York: Harper & Brothers.
- Zeder, M. A., 2008. *Domestication and early agriculture in the Mediterranean basin: origins, diffusion, and impact*, *Proceedings of the National Academy of Sciences* 19, 105 (33).